

ماجرای اختلاف تاریخی ترکیه و ارمنستان

سرویس ترکیه/خبرگزاری آران

رضا عابدی

خبرگزاری آران / سرویس ترکیه : مطرح شدن اختلافات ترکیه و ارمنستان به ویژه در مورد قتل عام ارمنه به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن ترکیه و گرفتن امتیاز از سوی ارمنه و اتحادیه اروپا بر پیچیدگی اختلافات این دو دولت افزوده است. شکل گیری توافق میان ایروان و آنکارا برای حل اختلافات دو کشور نگارنده را بر این داشت تا به واکاوی علل اختلافات ترکیه و ارمنستان بپردازد.

مقدمه

یکی از ویژگی های بارز سیاست خارجی بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم تأثیرات تجربیات تلخ تاریخی بر ذهنیت سیاست مداران این کشورها است. این ذهنیت با تأثیر تعیین کننده، جهت اصلی سیاستگذاری و چگونگی تدوین استراتژی دراز مدت با سایر کشورها را تعیین می کند. بر این اساس، سیاست خارجی ترکیه نیز که شدیداً از برداشت ها، ذهنیت ها و تجربیات تلخ تاریخ این کشور به ویژه فروپاشی امپراتوری عثمانی تأثیر پذیرفته است، بر رفتار افکار عمومی ترک ها و سیاست مداران ترک در عرصه ی بین المللی اثر گذار بوده است.

آمیخته شدن این تجربه تاریخی با نوعی از گرایش ملی گرایانه و نژادی موجبات تشدید ظن و بی اعتمادی ترک ها به همسایگان خود شده است. به طور مثال اعراب علی رغم اینکه از نظر دینی نزدیک ترین ارتباط را با ترک ها داشته اند، به واسطه ی تحریکات انگلیسی ها و فرانسویان و نقش آفرینی در تجزیه این امپراتوری به عنوان همسایگان غیرقابل اعتماد شناخته شده اند. علاوه بر اعراب، روس ها نیز به دلیل تجاوزات پرشمار به امپراتوری عثمانی و نقش آفرینی در تجزیه ی این امپراتوری و برخورد خشن با اقلیت های مسلمان ترک در حوزه قفقاز و قرار گرفتن ایدئولوژیک در برابر ترکیه در طول جنگ سرد در جرگه ی دشمنان ترکیه قرار گرفته اند. ایران نیز به دلیل اختلافات تاریخی میان حکومت عثمانی و حکومت های ایران از صفویه به بعد، اختلاف ایدئولوژی حکومت های دو کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در نهایت باور برخی از ترک ها مبنی بر حمایت ایران از کردهای تجزیه طلب و گروههای اسلام گرا در این کشور در مظان اتهام قرار دارد. در بین کشورهای بالکان، ترکیه پایین ترین سطح روابط را با بلغارستان داشته است که این موضوع باز هم به روابط تاریخی دو کشور و به ویژه ملاحظات پان ترکیستی ترکیه باز می گردد چرا که 10 درصد از جمعیت بلغارستان ترک بوده و در زمان جنگ سرد بلغارستان 300 هزار ترک را اخراج و اموال آنها مصادره شده است (جمهوری ترکیه، پاییز 1386: 255). هم اکنون ترکیه با سوریه بر سر میزان برداشت آب از رودخانه های دجله و فرات و مالکیت استان هاتا یا اسکندرون، دچار تضادهایی است. هر چند که با اخراج اوجالان از سوریه و دستگیری او در کنیا در سال 1999 روابط دو کشور بهبود یافته است ولی همچنان تا نقطه ی مطلوب فاصله زیادی باقی است.

جالب توجه تر آنکه ترکیه با همسایه جنوبی خود یعنی عراق نیز به دلایلی چون اختلاف بر سر بهره برداری از آب رودخانه دجله و فرات، مسئله کردها، اقلیت ترکمن ها و مسئله نفت کرکوک دچار اختلافات فزاینده ای است.

یکی از اصول سیاست خارجی ترکیه کاهش تنش با همسایگان به ویژه کشور ارمنستان است. علاوه بر این، درخواست های اتحادیه اروپا از ترکیه برای برآوردن شرایط در نظر گرفته شده برای این کشور به ویژه الزام آنکارا برای بهبود روابط با ایروان منجر به مطرح شدن فرضیه ی تأثیر اختلافات دو کشور ارمنستان و ترکیه به عنوان عاملی در عدم پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا شده است. در این بین، مطرح شدن اختلافات ترکیه و ارمنستان به ویژه در مورد قتل عام ارمنه به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن ترکیه و گرفتن امتیاز از سوی ارمنه و اتحادیه اروپا بر پیچیدگی اختلافات این دو دولت افزوده است. شکل گیری توافق میان ایروان و آنکارا برای حل اختلافات دو کشور نگارنده را بر این داشت تا به واکاوی علل اختلافات ترکیه و ارمنستان بپردازد.

حال باید دید که مهم ترین ریشه های اختلافات میان دو کشور کجا است. برای پاسخ گفتن به سوال پیش رو گرچه شاید بتوان به مواردی چون ادعاهای رسانه های دو کشور بر علیه یکدیگر، ادعاهای ارضی و تاریخی ارمنه در مورد استان های غربی ترکیه و وجود گرایش ملی گرایانه ی افراطی در دو کشور به عنوان پاسخی به سوال بالا یاد کرد اما به نظر می رسد که مهم ترین اختلافات دو کشور را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- 1- مسئله قتل عام ارمنه؛
 - 2- مناقشه بر سر منطقه ی قره باغ؛
- مسئله قتل عام ارمنه

قطعاً طولانی ترین و جنجالی ترین اختلاف میان ترکیه و ارمنستانی مسئله ی قتل عام ارمنه در سالهای پایانی حکومت عثمانی و سال های ابتدایی استقرار ترکان جوان در ترکیه است. اگرچه ترکیه در سال 1991 به عنوان یکی از اولین کشورها استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت ولی همواره تلاش ارمنستان برای شناسایی بین المللی این کشتار و اقدامات ترکیه برای واداشتن ارمنستان از این تلاش ها چون بختکی بر روی روابط دو کشور سایه افکنده است (کاکایی، شهریور و مهر 1387: 50). در این بین، تلاش لابی قدرتمند ارمنه در اروپا و امریکا برای تحت فشار قرار دادن آنکارا و تلاش برخی از محافل غربی و اروپایی برای ناکام گذاردن عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و احتمالاً امتیازگیری بیشتر از سران آنکارا بر شدت و دامنه ی اختلافات دو کشور افزوده است. در داخل دو کشور (به ویژه جمهوری ارمنستان) نیز افکار عمومی و حزبی با باورهای سنتی و ملی گرایانه یکی از موانع اصلی در کاهش تنش و درگیری ها محسوب می گردند (طباطبایی، زمستان 1382: 105-103). این مهم زمانی آشکار تر می گردد که بدانیم این حادثه ی تاریخی کینه ای عمیق را در نزد افکار عمومی ارمنه بر ضد ترکیه برانگیخته است و حتی حس انتقام جویی آنها را نسبت به ترکیه تشدید کرده است. ارتش سری ارمنه و گروه های کاماندویی عدالت، برای گرفتن انتقام از ترکیه در رابطه با قتل عام ارمنه به وجود آمده اند و عملیاتی خشونت آمیز را علیه ترکیه و منافع آن کشور هدایت و اجرا می کنند (تهامی، 1384: 162).

در سوی دیگر برخی ملی گرایان افراطی ترک برای انتقام از ارمنه به دلیل نقش آنان در سقوط امپراتوری عثمانی به دلیل همکاری با روس ها و کشتار ترک ها دست به انجام برخی اقدامات به ویژه ترور روزنامه نگاران و فعالان ارمنی تبار در ترکیه زده اند. به طور مثال هرنانت دینک سردبیر روزنامه دو زبانه ی آگوس که به زبان های ارمنی و ترکی در استانبول منتشر می شود، به وسیله چند مهاجم ناشناس کشته شد. نظرات دینک درباره ی کشتار ارمنه در دوران امپراتوری عثمانی در آغاز قرن بیستم، خشم بسیاری از ناسیونالیست های ترکیه را به همراه آورده بود. در سال 2005 یک دادگاه ترکیه دینک را به اتهام توهین به وحدت ملی ترکیه به شش ماه زندان محکوم کرد. جالب آنکه اورهان پاموک، نویسنده ترک و برنده جایزه نوبل ادبیات سال 2006 نیز که در مصاحبه ای از قتل عام یک میلیون ارمنی و هزاران کرد سخن گفته بود از سوی ملی گرایان ترک به خیانت به ملت ترک متهم شد. در مورد صحت نسل کشی ارمنه باید گفت که بسیاری از تاریخ شناسان دنیا قتل عام ارمنه را برنامه ای رسمی و از پیش طراحی شده توسط دولت عثمانی در سال 1915 دانسته اند و آن را نسل کشی اعلام کرده اند. استدلال این گروه مکاتبات و منابع رسمی دولت های دوست عثمانی و شاهدان زنده است. (احمدی لغورکی، 6 مرداد 1386: 8). به طور

مثال آرلن در این باره می نویسد:

«تعداد کثیری ارمنی به ویژه زن ها و اطفال به کلیسایی که ساختمان آن قدیمی و در تقاطع جاده واقع بود پناه جستند. در تعقیب آنها ترك ها الوارهای چوب را به در کلیسا میخ کوب کردند تا کسی نتواند از داخل در کلیسا را باز کند، آنگاه به کلیسا آتش افکندند که به طور تخمین نزدیک دو هزار تن هلاک شدند» (آرلن، خرداد 1360: 75).

به دنبال حمله چند ارمنی به یک بانک در استانبول برای جلب توجه محافل غربی در مورد کشتار ارمنه، گروه انبوهی از ترك ها به خیابان ارمنی نشین مجاور ریخته و دست به کشتار زدند. پس از پایان شورش آن طوری که کنسول های فرانسه و انگلستان تخمین زده اند تعداد 5 تا 8 هزار ارمنی را کشته بودند (آرلن، خرداد 1360: 80).

ژان ماری کارزو باره ی واقعه ی کشتار ارمنه می نویسد:

«حکومت عثمانی بر اساس یک نقشه ی حساب شده گردانی از سوارکاران ورزیده ی کرد تشکیل داده بود و هر وقت که لازم می شد، ارمنه و مسیحیان دیگر منطقه گوشمالی داده شوند از وجود این گردان نیمه رسمی استفاده می کرد. افراد این گردان که حمیدیه نام گرفت در قسوت و بی رحمی کم نظیر بودند.» (کارزو، 2532: 54). در خیابان سگ هایی را می بینیم که دست یا پا ی انسانی را به دهان دارند. سگ ها، گورهای کم عمقی را که با شتاب حفر شده اند، سوراخ می کنند و دست و پای مقتولین را از بدن آنها جدا می سازند.

تقریباً تمامی قربانیان، مردان هستند. اما مواردی که دختران ارمنی ربوده یا فروخته شده اند نیز وجود دارد (کارزو، 2535: 117).

این تاریخ نگاران بر این باورند که علاوه بر این، بسیاری از ارمنی ها به دستور حاکمان عثمانی از ترس یاری رساندن به ارتش روسیه در شرایطی بد با قطار و یا از راه پیاده در بدترین شرایط انسانی به سمت جنوب یا جنوب غربی (عراق و روسیه) تبعید شدند که بسیاری از آنان کشته شدند. جالب آنکه بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان که در مورد کشتار ارمنه کتاب نوشته اند، بر سود بردن عثمانی ها از اقلیت کرد برای سرکوب و کشتار ارمنه تاکید کرده اند. مالکلی جی. آرلن در کتاب خود با عنوان «کشتار ارمنیان یا گذرگاه آزارات» معتقد است که نسل کشی ارمنیان در ترکیه در دو مرحله رخ داده است. این دو مرحله عبارت اند از:

الف- پس از شکست عثمانی از روسیه در زمان سلطان عبدالحمید از سال 1894 تا 1896 (آرلن، خرداد 1360: 71). در این دور از کشتارها ارمنه کشته شدگان خود را 300 هزار نفر اعلام می کنند (کارزو، 2535: 106).

ب- کشتار و تبعید ارمنه توسط ترکان جوان در سال های 1915 تا 1917 (آرلن، خرداد 1360: 92). در این دوره ارمنیان خسته از بی وفایی دول اروپایی روس و فرانسه دست به همکاری گسترده با ترکان جوان برای تضمین حقوق خود می زنند (کارزو، 2535: 139). اما پس از حاکمیت کمالیست ها، اینان نیز با فراموش کردن حمایت های ارمنه دست به تبعید و کشتار آن ها می زنند. ارمنه خشونت به کار رفته علیه آنان را در این سال ها صدها بار بدتر از دوران امپراتوری عثمانی توصیف می کنند. در این زمان به دلیل آنکه بیم آن می رفت که ارمنه در جنگ جهانی اول جانب روس ها را بگیرند و ارتش ترك را از پشت سر مورد حمله قرار دهند، تبعید و کشتار آنان آغاز شد. (بروبین سن، 1379: 381).

درباره ی دیدگاه ترکیه در مورد واقعه ی کشتار ارمنه می توان بین دیدگاه دولتی و افراد و سازمان های غیر دولتی، مشتمل بر اندیشمندان، روشنفکران و تاریخ شناسان تمایز قایل شد.

تقریباً بیشتر طبقه ی دانشگاهی و روشنفکر جامعه ترکیه قبول دارد که شمار زیادی از ارمنه، در فاصله سال های 1915 تا 1917 جان خود را از دست داده اند اما الزاماً بر روی این موضوع را که مرگ این افراد برنامه ای هدفمند یا به نوعی نسل کشی بوده است، نپذیرفته اند. برخی روشنفکران ترك با وجود مخالفت شدید ملی گرایان، فریضه ی نسل کشی را پذیرفته اند که از میان آن ها می توان به رجب زاراکولو، علی ارتم، خلیل برکتای، یکتان تورك ایلماز، فاطمه گوجک، فکرت آدانیر و اورهان پاموک، برنده ی جایزه ی نوبل ادبیات (در سال 2006) اشاره کرد.

بسیاری از مردم ترکیه با سیاسی خواندن اعطای جایزه ی نوبل بر این باورند که اعطای این جایزه به وی به دلیل افکار و عقایدش در مورد کشتار ارمنه بوده است. این گروه در تکمیل باور خود می گویند اظهارات پاموک در مورد قتل عام ارمنیان توسط ترك ها در ابتدای قرن گذشته، برای خود او محبوبیت و جایزه نوبل آورده، ولی وجهه و اعتبار ترکیه را مخدوش کرده است. این گروه بر این باورند که مسئولان اعطای نوبل، این جایزه را سال ها از نویسندگی چیره دست و بزرگی مانند یاشار کمال دریغ کرده اند و آن را به یک نویسنده متوسط الحال مانند پاموک اعطا کردند. جالب آنکه محمد شاندر معاون حزب ملی گرای حرکت ملی ترکیه با تقبیح هیأت انتخاب کننده جایزه نوبل گفته بود که اگر اورهان پاموک این جایزه را رد نکند، باید از تابعیت ترکیه اخراج شود. البته اقلیتی هم از موفقیت پاموک شادمان اند.

اما دولت ترکیه هرگز مسئله تبعید اجباری یا کشتار ارمنه در فاصله سال های 1915 تا 1917 را نپذیرفته و از دو بعد تاریخی و حقوقی، این مسئله را رد کرده است. از بعد تاریخی، دولت مردان و ملی گرایان ترك، بر این باورند که با وقوع جنگ جهانی اول و در پی فروپاشی امپراتوری عثمانی، درگیری های داخلی در مناطق شرقی و در مجاورت جبهه جنگ با روس ها، مهاجرت ها و اثرات جنگ های داخلی، کوچ ها، قحطی و بیماری های واگیردار شایع، تعداد قابل توجهی از ساکنان سرزمین عثمانی، شامل ارمنه، ترك ها، کردها و عرب ها از بین رفته اند.

بنابراین دیدگاه، ارمنه ی ساکن در امپراتوری عثمانی پیش از جنگ جهانی اول روابط خوبی با حکومت و مسلمانان داشتند و حتی تا مقام وزارت ارتقاء یافته بودند؛ اما پس از جنگ و پیوستن عثمانی به متحدان، کشورهای متفق به ویژه انگلستان و روسیه، از ارمنه به عنوان ابزاری علیه امپراتوری عثمانی استفاده کردند. آنها با تقویت احزاب افراطی هینچاک و داشناک زمینه شورش ارمنه، ایجاد نامنی، ترور مقامات، حمله به مراکز دولتی و... را فراهم کردند. این اقدامات کمکی زیادی به پیش روی ارتش روسیه در جبهه شرقی عثمانی کرد. این اقدامات موجب شد تا دولت عثمانی برای جلوگیری از درگیری های داخلی و تقویت جبهه شرق، برای انتقال ارمنه به مناطق دیگر فلات آناتولی، سوریه و عراق اقدام کند. در میان این نقل و انتقالات که ارمنه آن را تبعید اجباری نامیده اند، مهاجران بر اثر حمله ی راهزنان، گرفتار شدن به بیماری های واگیردار، قحطی و حوادث دیگر از بین رفته اند.

از بعد حقوقی، دولت مردان ترك، مسئولیت اعمال دولت عثمانی را تنها متوجه حکومت فعلی ترکیه نمی دانند. به اعتقاد این افراد، دولت عثمانی پس از فروپاشی به کشورهای مختلفی تقسیم شد و از بعد حقوق بین الملل، ترکیه نمی تواند مسئول اقدامات آن باشد. از سوی دیگر، آنها نقل و انتقال شورشیان ارمنی از مناطق درگیری به مناطق دیگر و سرکوب این شورش های مسلحانه را حق طبیعی هر حکومتی در راستای تامین امنیت سرزمینی خود می دانند (احمدی لفورکی، 6 مرداد 1386: 11).

در سال های اخیر ترکیه برای کاهش فشارهای بین المللی در خصوص قتل عام ارمنیان برنامه ای را تدوین کرده است تا با گرجی نشان دادن محل سکونت ارمنیان در قارص و اردهان و وانمود کردن این نکته که مناطق فوق در هیچ دوره ی تاریخی محل سکونت ارمنیان نبوده، در تحت الشعاع قرار دادن مساله کشتار ارمنیان در سال 1915 توسط دولت عثمانی سعی دارد. در همین راستا کلیساهای به جا مانده از ارمنه در ترکیه در حال واگذاری به گرجی ها می باشد، علاوه بر این ترکیه از جایگزینی «مسختی ها» (Meskheti) (اقلیت ترك و مسلمان در گرجستان) به جای ارمنه در «جاواختی» به دلیل اینکه به نوعی ارمنه را از مرزهای این کشور دور می کند و ضریب امنیتی این کشور را بالا می برد،

حمایت می کند. ضمن اینکه با استقرار مسختی ها به جای ارمنیان، محاصره ارمنستان به وسیله ی ترك زبانان کامل تر می گردد (احمدی، پاییز 1387: 107).

علاوه بر این، دولت ترکیه در تلاش برای مقابله با فشار کشورهای غربی فیلمی تهیه کرده و در صدد است با نمایش آن در مدارس کشتار ارمنه توسط امپراطوری عثمانی را انکار کند. پیام این فیلم برای دانش آموزان ترك این است که ارمنه به ترکیه خیانت کرده اند و دشمن ترك ها به شمار می آیند. در برابر ادعای ارمنه در مورد نسل کشی آنان، بسیاری از ترك ها بر این باورند که ارمنی ها با حمله به مناطق مسلمان نشین قفقاز و شرق ترکیه عده ی زیادی از ترکان را قتل عام کرده اند. این عده با متهم کردن غرب و اروپا به انکار این کشتارها خواستار اعمال فشار بر ارمنستان هستند.

مناقشه بر سر منطقه ی قره باغ

قفقاز جنوبی هم از بعد استراتژیک و هم از بعد قومی- سیاسی و همچنین از بعد فرهنگی به بی ثباتی معروف شده است. مسائل امنیتی متداخل موجود نه تنها 3 دولت مهم در قفقاز جنوبی- آذربایجان، گرجستان و ارمنستان- بلکه به منافع کشورهای همسایه نیز مربوط می شود، از جمله این کشورها: روسیه در شمال؛ ایران در جنوب؛ ترکیه، اکراین، بلغارستان و یونان در غرب، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان در شرق هستند. به این آمیختگی باید منافع ایالات متحده، اتحادیه اروپا و بدون شک منافع چین را نیز افزود. در نتیجه قفقاز جنوبی به واسطه ی عوامل بی ثبات کننده که از خارج مرزها هدایت می شود، آسیب پذیر شده است. اختلاف قومی، نژادی، تنوع سنن فرهنگی و هویت متفاوت مردم، مشخصه بارز کل منطقه است که ممکن است در هر زمان آغاز گر اختلافات و منازعاتی باشد که پتانسیل تبدیل شدن به مشکلات بزرگتر را دارا می باشد (استریان، 1383: 63-64).

در میان بحران های متعدد در این منطقه، منطقه ی تاریخی قره باغ که در قفقاز جنوبی و در سرزمین جمهوری آذربایجان و در شرق جمهوری ارمنستان واقع شده است یکی از بحرانی ترین نقاط منطقه به شمار می رود. ادامه ی این بحران که خود میراث زمان اتحاد جماهیر شوروی و دوره ی پایان جنگ سرد است بر عمق تنش ها در این منطقه به شدت افزوده است. ادعای ارضی ارمنستان نسبت به قره باغ کوهستانی مسئله ای است که طی دهه های متمادی دوران حکومت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی، پنهان نگاه داشته شده بود. در این دوران منطقه ی کوهستانی قره باغ که در شکل کنونی 2400 کیلومتر مربع وسعت دارد، همواره موضوع کشمکش دائمی بین ارمنه و آذری ها بوده است (هاشمی، 1384: 69).

بنابر آمارهای منتشر شده هم اکنون بین 70 تا 75 درصد ساکنان قره باغ را ارمنه و بقیه را آذری ها تشکیل می دهند. مناقشه ی قره باغ که آغاز آن با خواسته های تجزیه طلبانه ی ارمنه ی قره باغ همراه بود، با کشته شدن 50 هزار نفر از دو طرف همراه بود. علاوه بر این 250 هزار نفر از آذربایجانی های ساکن جمهوری ارمنستان وادار به کوچ اجباری به خاک آذربایجان شدند. به دنبال این اقدام 400 هزار نفر از ارمنه ساکن در برخی شهرهای آذربایجان به منطقه ی قره باغ یا جمهوری آذربایجان کوچ کردند. علاوه بر این، جمهوری ارمنستان افزون بر اشغال استان ارمنی نشین قره باغ برخی از نقاط آذری نشین از خاک آذربایجان را نیز به اشغال خود در آورد و در نتیجه 800 هزار نفر از آذربایجانی های این مناطق خانه و کاشانه خود را از دست دادند. (عباس اف و چاخاتوریان، 1383: 15-16). در این بین ترکیه نیز به دلیل لحاظ قرار دادن ملاحظات نژادی، قومی و زبانی با جمهوری آذربایجان در بحران قره باغ از جمهوری آذربایجان حمایت می کند. این حمایت ها تنها محدود به حمایت های مادی و حتی نظامی نمی شود، بلکه دارای پشتوانه سیاسی- اجتماعی به همراه شاخصه های روانشناختی و عاطفی در بین مردم است (عباس اف و چاخاتوریان، 1383: 2).

در سال های پس از آغاز رسمی درگیری ها در فوریه ی 1988 و پایان درگیری ها در سال 1994 تاکنون تمامی دولت های ترکیه از اربکان اسلام گرا تا چیلر، بیلماز و اجویت حمایت از آذربایجان در برابر ارمنستان را در صدر برنامه های خود قرار داده اند. (طباطبایی، زمستان 1382: 91). این حمایت ها تا بدان جا پیش رفت که ترکیه در سال 1993، به منظور حمایت از آذربایجان در مناقشه اش با ارمنستان بر سر منطقه ی قره باغ کوهستانی مرزهای خود با ارمنستان را بست. سایه ی اختلافات آذربایجان و ارمنستان بر روابط ترکیه و ارمنستان به حدی است که علی باباجان وزیر امور خارجه ی وقت ترکیه به صراحت اعلام کرده بود که: «مشکلات میان آذربایجان و ارمنستان از جدیت بیشتری نسبت به مشکلات میان ترکیه و ارمنستان برخوردار است. چرا که 20 درصد از اراضی آذربایجان در اشغال ارمنستان است» (وزیر الخارخیه التركي العلاقات...، 16 March 2009). جالب تر آنکه در جریان مذاکرات ایروان و آنکارا پیش شرط ترکیه برای برقراری روابط دوجانبه و باز شدن مرزهای این کشور با ارمنستان حل مسئله قره باغ با جمهوری آذربایجان بوده است. طور کلی می توان عوامل زیر را در طولانی شدن بحران قره باغ علی رغم تلاش های میانجیگران بین الملل چون گروه "مینسک" در موارد زیر دانست:

1- سیاست های قومی و نژادی اتحاد جماهیر شوروی مبنی بر عدم انطباق مرزهای قانونی با مرزهای فرهنگی گونه ای بود که اقوام مختلف برای حل مشکلات باید به حکومت مسکو رجوع می کردند. به این ترتیب وابستگی آنان به مسکو بیشتر می شد. علاوه بر این تقسیم بندی نابرابر قدرت بین جمهوری های قفقاز می توانست نوك تیز مخالفت ها را از مسکو منحرف کرده و به اهداف دیگری متوجه سازد (روشندل و قلی پور، 1373: 106).

2- عامل آب: وجود سرچشمه های رودخانه ای که در شهر باکو جریان دارد از منطقه قره باغ باعث گردیده که هر دولتی در قره باغ کنترل را در دست گیرد از اهرم قدرتمندی علیه باکو در اختیار داشته باشد.

3- عامل فرهنگی و مذهبی: اگر چه ارمنه و آذری ها به مدت هزار سال باهم زیسته اند اما از نظر فرهنگی و مذهبی در نزاع بوده اند چرا که آذری ها مسلمان شیعه و ارمنی ها مسیحی هستند. (هاشمی، 1384: 71).

4- ذهنیت منفی تاریخی ارمنه از اینکه در حال محاصره شدن توسط ترک ها هستند: در ایجاد این ذهنیت روند سرکوب های دوران عثمانی به ویژه قتل عام ها و تبعیدهای اجباری مورد ادعای ارمنه اثرگذار بوده است.

5- فقدان مشروعیت و مخدوش بودن مرزها در منطقه.

6- اعمال سیاست های تبعیض علیه یکدیگر: اصولاً نزد آذری ها ارمنه شهروند درجه دو محسوب می شوند و ارمنه نیز نزد آذری ها چنین وضعیتی دارند.

7- رقابت میان قدرت های بزرگ در قفقاز.

8- نحوه ی غیر دموکراتیک برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در دو کشور مشروعیت رهبران فعلی آذربایجان و ارمنستان را زیر سوال برده است (امیری، خرداد 1383: 52-57).

9- وجود گرایش ملی گرایانه ی شدید در دو کشور هرگونه سازش در مورد مناقشه ی قره باغ را به اعتراض هایی در دو کشور بدل خواهد کرد (تیزتک، اردیبهشت 1387: 56).

10- به لحاظ حقوقی تقابل دو اصل لزوم خدشه ناپذیر بودن استقلال و تمامیت ارضی يك کشور(آذربایجان) با اصل تعیین سرنوشت ملت ها (مردم قره باغ) دستیابی به توافق

در مورد این بحران را سخت کرده است (عباس اف و چاخاتوریان، 1383: 41-45).

11- فقدان تجربه ی مدیریتی طولانی سران دو کشور اثرات نامطلوب خود را در مذاکرات این دو دشمن تاریخی برجای گذارده است (هاشمی، 1384: 73). اختلافات دو کشور و عاملی به نام اتحادیه اروپا

یکی از مهم ترین آرزوهایی که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی ذهن سیاست مداران ترکیه را به خود مشغول کرده است، بحث پیوستن به اتحادیه اروپا است. در این بین

درخواست های اروپا از ترکیه در جهت پذیرش مسئله ی نسل کشی ارمنه و بهبود روابط با ارمنستان باعث شده است تا گروهی بر این باور باشند که اتحادیه اروپا با طرح و برنامه

ا ی قبلی روی مسائلی دست می گذارد که هدف از آن تحریک ملی گرایان ترکیه است. این دسته در تایید فرض خود استدلال می کنند که این اتحادیه با تحریک ملی گرایان ترک

سعی در ایجاد بحران در داخل ترکیه و ناکام گذاردن عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را دارد. به طور مثال، کمیته ی روابط خارجی پارلمان اروپا گزارشی شدیدالحن «کامیل

اورلینگر» نماینده پارلمان اروپا درباره ی ترکیه را تصویب کرد در این گزارش که با 52 رای موافق در برابر شش رای مخالف به تصویب رسید، به رسمیت شناختن آنچه به عنوان

کشتار ارمنه در جریان جنگ جهانی اول نامیده می شود، به عنوان نسل کشی، یکی از پیش شرط های عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا توصیف شده است. این گزارش برای

نخستین بار به طور رسمی این کشور را متهم کرده است (کاظمی، 26 دی 1386: 4).

در اقدامی دیگر اتحادیه اروپا از ترکیه خواسته است که اگر خواهان عضویت در اتحادیه اروپا است. به اقدامات خود در رفع تحریم ها علیه ارمنستان و باز کردن مرزهای خود بر

روی ارمنستان شدت بخشد (طباطبایی، زمستان 1382: 92). با توجه به تلاش و علاقه ی وافر ترکیه برای عضویت در اتحادیه ی اروپا، مسئله ی نسل کشی ارمنه، ابعاد گسترده

تری یافته و به عنوان ابزار اعمال فشار بر دولت آنکارا به کار گرفته شده است؛ هر چند ترکیه افزودن بر رد اتهام نسل کشی، کشتار ارمنه را در سال 1915 در اثر جنگی متعارف می

داند و شمار کشته شدگان را به مراتب کم تر از رزم ادعایی ارمنه (1,5 میلیون نفری) اعلام می کند و عواملی نظیر قطعی، بیماری های مسری و درگیری های درون قوی را عامل

افزایش شمار کشته شدگان معرفی می‌کند؛ اما در دهه ی اخیر، نتوانسته پاسخ قانع کننده ای به جامعه بین المللی در این زمینه بدهد. (احمدی لفورکی، 6 مرداد 1386: 8-9). در این بین، گروهی دیگر با مقصد دانستن ارمنستان و به ویژه لابی قدرتمند پنج میلیونی این کشور در اروپا و آمریکا بر این باورند که ارمنستان از لابی ثروتمند خود برای تحت فشار قرار دادن ترکیه برای گرفتن امتیاز از این کشور درباره ی کشتار ارمنه و بحران « قره باغ » سود می برند. این دسته برای اثبات موضع خود به تلاش سنای بلژیک و دموهای روسیه برای پذیرش نسل کشی ارمنه از سوی ترکیه اشاره دارند.

در جنجالی ترین اقدام در 12 اکتبر 2006 مطابق با 20 مهر 1385، لایحه ای در مجلس ملی فرانسه به تصویب رسید که به موجب آن، انکار نسل کشی ارمنه به وسیله ی ترک های عثمانی در سال 1915 جرم اعلام شد. لایحه تصویب شده برای کسانی که منکر این نسل کشی شوند، مدت یک سال زندان و مبلغ 45 هزار یورو جریمه در نظر گرفته بود. (سیف افجه ای، اسفند 1386: 44) اگرچه ترکیه با تهدید انجام اقدام تلافی جویانه بر ضد فرانسویان به ویژه در مورد نسل کشی الجزایری ها توسط استعمار فرانسه و فراخواندن سفیر سعی در خنثی کردن اینگونه اقدامات محافل طرفدار ارمنستان زده است اما حداقل 15 کشور تاکنون نسل کشی ارمنه را به رسمیت شناخته اند (احمدی لفورکی، 6 مرداد 1386: 12).

جالب آنکه نفوذ لابی ارمنه در کشوری چون آمریکا به عنوان متحد راهبردی ترکیه کاملاً مشهود است، به گونه ای که گروه فشار ارمنه در زمان ریاست جمهوری «بیل کلینتون» در مجلس نمایندگان آمریکا سعی در تصویب قطعنامه ای نظیر مجلس فرانسه را بر ضد ترکیه را داشتند که با متقاعد کردن آنان از سوی کلینتون این صدور قطعنامه به تأخیر افتاد (از این نسل کشی جنجال...، بهمن 1379: 9)

اما تأیید مصوبه ای توسط کمیته ی روابط خارجی کنگره در محکومیت قتل عام یک ونیم میلیون ارمنی در سال 2007 میلادی نمود دیگری از قدرت لابی ارمنه و یا حداقل تلاش برخی از محافل غربی برای تحت فشار قرار دادن ترکیه را علنی ساخت (ترکیه شلیک به عضویت ...، 2 آبان 1386: 7). در این بین مطبوعات ترکیه بر این باورند که لابی ارمنه گرفتن قرامت از ترکیه به نفع ارمنه و حمایت از ادعا های ارضی ارمنستان در قبال ترکیه را در سر می پروراند (محمدیان، 5 مهر 1379: 2). علاوه بر این پاسخ، شاید اروپا نگران آن است که در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و عدم حل اختلافات تاریخی، ارضی و نژادی میان ارمنه و ترک ها، اتحادیه اروپا از جیب خود هزینه های سیاسی، اقتصادی و به ویژه امنیتی این بحران را پرداخت کند. چرا که شکل گیری هرگونه بحران و درگیری نظامی بین ترکیه و ارمنستان به دلیل همسایه شدن اتحادیه اروپا با این دو کشور ثبات و امنیت اروپا به خطر خواهد افتاد.

ترکیه و ارمنستان از ژنوساید تا دیپلماسی فوتبال
ترکیه و ارمنستان سال ها است بنا به دلایل تاریخی با هم روابط دوستانه ای ندارند، با توجه به اینکه عموماً منشأ اختلافات کشورها در عرصه ی روابط بین الملل منافع گاه متضاد و متفاوت آنها در حوزه های سیاسی، ژئوپولیتیک و اقتصادی است اما در مورد ترکیه و ارمنستان ذهنیت منفی تاریخی بر روی روانشناسی افکار عمومی دو کشور اثرات نامطلوب را گذارده و تشدید اختلافات میان طرفین را فراهم کرده است. با این وجود، بسیاری از حوزه ها از زمینه های متعدد همگرایی و حصول به منافع مشترک برخوردار هستند. موضوع انتقال انرژی دریای مازندران به بازارهای جهانی، محصور بودن ارمنستان در خشکی و نیاز به بنادر کشورهای مجاور جهت تجارت با جهان خارج، تسهیل دسترسی و ارتباط ترکیه با دریای مازندران و متحد قفقازی اش آذربایجان در صورت بهبود روابط با ارمنستان، بسته شدن و یا حداقل نامن شدن راه تجارت خارجی ارمنستان با جهان خارج به دنبال جنگ روسیه و گرجستان بر سر اوستیای جنوبی و طرح آنکارا برای ثبات و امنیت در قفقاز که بدون همکاری ارمنستان امکان عملی شدن را نخواهد داشت، از زمینه های همگرایی و همکاری دو کشور محسوب می گردند. علاوه بر این، روی کار آمدن اسلام گرایان عدالت و توسعه و اتخاذ سیاست نگاه به شرق و در نهایت بهبود روابط با ارمنستان برای تسهیل ورود به اتحادیه اروپا از دیگر زمینه های همکاری دو کشور محسوب می شوند. (آقا زاده، 22 شهریور 1387: 1).

به دلیل همین اهداف مشترک بود که "سرژ سرکیسیان" رئیس جمهور ارمنستان از عبدالله گل دعوت کرد که برای تماشای مسابقه ی فوتبال میان تیم های ارمنستان و ترکیه به ایروان سفر کنند. انجام این سفر و تکرار آن از سوی سرکیسیان اگرچه با مخالفت ملی گرایان افراطی در دو کشور مواجه شد اما بسیاری از روشنفکران دو کشور از این سفر که از آن به عنوان «دیپلماسی فوتبال» یاد شد، به عنوان آغازی برای همکاری دو ملت به جای اصرار بر کینه های تاریخی تفسیر کردند. (کاکایی، شهریور و مهر 1387: 50) اگرچه هنوز واقعه ی قتل عام یک ونیم میلیون ارمنی (آن گونه که ارمنه مدعی اند) به عنوان زخمی چرکین بر روابط دو کشور خودنمایی می کند ولی انجام برخی اقدامات مثبت از سوی ترکیه با وجود مخالفت های ملی گرایان برای حقیقت یابی تاریخی در مورد سحت و یا رد کشتار ارمنه و کاهش حساسیت عمومی افکار عمومی در قبال قضیه ی کشتار ارمنه در ترکیه از نمودهای آشکار حرکت آنکارا برای کاهش تنش با ارمنستان است. باید اذعان کرد که در سال های اخیر به دلیل نیاز دو کشور به یکدیگر و کاهش گرایشات ملی گرایانه در ارمنستان و ترکیه (به ویژه ترکیه) شاهد بهبود نسبی روابط میان آنکارا و ایروان بوده ایم. این کاهش شور ملی گرایی (به همراه نیاز دو کشور به یکدیگر) باعث شده است که ترکیه و ارمنستان چندین دور از مذاکرات را با میانجی گری برخی دولت های اروپایی چون سوئیس برگزار کنند. با این وجود هنوز هم چالش هایی بر سر حل نهایی اختلافات وجود دارد که این موانع عبارتند از:

1- تلاش آذربایجان برای زنده نگاه داشتن موضوع قره باغ کوهستانی؛
2- وجود مخالفت های داخلی به ویژه در مورد کشور ارمنستان؛
3- ذهنیت منفی ارمنه از ترک ها به ویژه در مورد بحث قتل عام ارمنه؛
4- وجود دوگانگی مواضع و دیدگاهها در دولت ارمنستان (روشندل و قلی پور، 1373: 139).
وزارت خارجه های ترکیه و ارمنستان در آوریل 2009، بر عزم دو کشور برای عادی سازی روابط فی مابین و برقراری ارتباطات نوین همسایگی در چارچوب احترام متقابل، تأکید کرده و بر مبانی "نقشه راه" برای عادی سازی روابط تفاهم کردند. نقشه راهی که در آن مقرر شده است تا چگونگی شناسایی مرزها، موضوع قره باغ، تشکیل کمیسیون بررسی ادعای تاریخی نسل کشی ارمنه از عصر سلطان عبدالحمید به بعد، بازگشایی مرزها مورد بحث قرار گرفته شود.
در شرایط فعلی به نظر می رسد که اجرای سیاست مسئله در حد صفر ترکیه با همسایگان خود به ویژه ارمنستان در حال شکل دهی مجدد به معادلات منطقه است. جالب آنکه مقامات آنکارا تصمیم گرفته اند از اواخر سال 2009، شبکه تلویزیونی به زبان ارمنی راه اندازی کنند. این شبکه ی تلویزیونی بر روی آنتن ماهواره ای نیز خواهد رفت تا مردم جمهوری ارمنستان نیز بتوانند آن را تماشا کنند. این شبکه قرار است اخبار مهم و رویداد های مربوط به ارمنستان و ترکیه را به سمع و نظر بینندگان برساند. در این بین، هرگز نباید از یاد برد که توافق اخیر میان ایروان و آنکارا در کوتاه مدت خواهد توانست تا روابط دو کشور را از حالت خصمانه خارج کند، اما این مهم قطعاً به مثابه پایان تنش میان دو کشور قابل تفسیر نیست چراکه بحث کشتار ارمنه و بحران قره باغ کوهستانی در صورت آغاز روابط دیپلماتیک همچنان به عنوان عاملی تعیین کننده در کندی حل نهایی مشکلات ترکیه و ارمنستان ایفای نقش خواهند کرد.

فهرست منابع:

- 1-آرلن، مالک جی(خرداد 1360) کشتار ارمنیان یا گذرگاه آارات. ترجمه جواد هاتفی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- 2-احمدی، حسین(پاییز 1387) "چالش های قومی در قفقاز". فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. صص 93-107.
- 3-احمدی لفورکی، بهزاد(6 مرداد 1386) " منع انکار نسل کشی: تاملی بر کشتار ارمنه به بهانه تصویب لایحه منع انکار در پارلمان فرانسه. پگاه حوزه. صص 8-14.
- 4-استرین، گرانیك(1383) در کتاب کشورهای مشترک المنافع (CIS)(ویژه مسائل امنیتی CIS). ترجمه فخرالدین سلطانی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ایران معاصر تهران.

- 15- امیری، مهدی (خرداد 1383) "تحولات سیاسی در آذربایجان و ارمنستان و تداوم بحران قره باغ". در گزیده تحولات جهان 25. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران- معاونت تولید.
- 16- از این نسل کشی جنجال برانگیز (بهمین 1379) ترجمان سیاسی. ص 8-9.
- 17- برویین سن، مارتین وان (1379) جامعه شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت): ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان. تهران: پانیذ.
- 18- "ترکیه شلیک به عضویت در اتحادیه اروپا" (2 آبان 1386) دنیای اقتصاد. ص 7.
- 19- تهامی، مجتبی (1384) امنیت ملی دکنترین سیاست های دفاعی و امنیتی (جلد 2) تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- 10- تیزتک، علی (اردیبهشت 1387) "نگاهی به روند و چشم انداز بحران قره باغ". رویدادها و تحلیل ها. صص 55-58.
- 11- جمهوری ترکیه (پاییز 1386) تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
- 12- سیف افجه ای، معصومه (اسفند 1386) "روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا". رویدادها و تحلیل ها. صص 42-44.
- 13- روشندل، جلیل. رافیک قلی پور (1373) ارمنستان. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- 14- طباطبایی، مهرزاد (زمستان 1382) "احیای روابط ارمنستان- ترکیه: ادامه آرمان گرایی یا غلبه منافع ملی". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. صص 89-106.
- 15- عباس اف، علی. هاریتون. چاخاتوریان (1383) مناقشه قره باغ؛ آرمان ها و واقعیت ها. ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران- معاونت تولید. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- 16- کارزو، ژان ماری (2535) ارمنستان 1915. ترجمه فریبرز برزگر. تهران: جاویدان.
- 17- کاظمی، احمد (26 دی 1386) "ترکیه در آستانه رویگردانی از اروپا: دلسردی از 40 سال تلاش برای ورود به اتحادیه اروپا". همشهری. ص 4.
- 18- کاکایی، سیامک (شهریور و مهر 1387) "آب شدن روابط ترکیه و ارمنستان دیپلماسی فوتبال". همشهری دیپلماتیک. ص 50.
- 19- هاشمی، علیرضا (1384) امنیت در قفقاز جنوبی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- پایان پیام.